

بررسی رابطه بین سرمایه در گردش و رشد سود بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی خواجهوی^۱، کریم نخعی^۲ (نویسنده مسئول)، حبیب اله نخعی^۳

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند / دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، m65khajavi@gmail.com

^۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند / عضو هیئت علمی گروه حسابداری، nakhaei1360@yahoo.com

^۳ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند / استادیار و عضو هیئت علمی گروه حسابداری، h.nakhaei48@yahoo.com

چکیده

در اقتصاد پرچالش کنونی با فشارهای فزاینده محیطی و منابع خارجی محدود، سرمایه در گردش از اهمیت زیادی برخوردار است. مدیریت بهینه سرمایه در گردش بنگاه ها می تواند به عنوان یک مزیت رقابتی برای آنها محسوب شود. بانک ها می توانند سطح بهینه ای از سرمایه در گردش را دارا باشند که ارزش آنها را بیشینه نماید چرا که بخش عظیمی از سرمایه سازمان را به خود اختصاص می دهد. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و بازده حقوق صاحبان سهام بانک های ایرانی می باشد. این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی بوده و مبتنی بر تحلیل داده های تابلویی است. نمونه مورد بررسی شامل ۱۹ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ است. نتایج آزمون فرضیه های تحقیق نشان می دهد که بین سرمایه در گردش بانک ها و رشد سود رابطه معنی داری وجود ندارد.

واژه های کلیدی

سرمایه در گردش، رشد سود، بانک، بورس اوراق بهادار تهران

مقدمه

مدیریت سرمایه در گردش یکی از آن جنبه های مرتبط با مدیریت مالی می باشد که با تمامی حوزه های مدیریتی پیرامون امور مالی سروکار دارد؛ و نه تنها منابع و مصارف مالی شرکت هستند، بلکه پیامدهای مالی سرمایه گذاری، تولید، بازاریابی و یا تصمیمات شخصی و عملکرد کل نیز می باشد. مدیریت سرمایه در گردش شامل برنامه ریزی و کنترل دارایی های جاری و بدهی های جاری به شیوه ای است که ریسک ناتوانی در اجرای تعهدات کوتاه مدت را از بین برده و از سرمایه گذاری بیش از حد در این دارایی ها جلوگیری می کند [۱۰]. بخش بانکی نقش مهمی در رشد سیستم مالی ایفا می کند، اما در حال حاضر صنعت بانکداری با چالش های بسیاری از جمله الزامات نظارتی، نقدینگی و سرمایه ی در گردش مواجه است که به طور قابل توجهی بر صنعت بانکداری تأثیر می گذارد. این چالش ها خواستار تصمیمات عاقلانه برای حل مشکلات، که برای پایداری هر سازمانی حائز اهمیت است و بدین ترتیب نه تنها ریسک ورشکستگی را کاهش می دهد بلکه سودآوری بانک ها را افزایش می دهد. همواره بین دو گروه تضاد منافع وجود دارد: گروه هایی که برای بانک تأمین اعتبار می کنند (سپرده گذاران / سرمایه گذاران) و

در سرمایه گذاری های خود انتظار سودآوری بالایی دارند. دوم، مدیریت بانک که برای مدیریت تراز نقدینگی با مشکلاتی مواجه است تا با نظارت و بررسی اهرم مالی و سرمایه ی در گردش به سودآوری بیشتر دست یابد. سرمایه در گردش یکی از مهم ترین عوامل برای حفظ نقدینگی، سودآوری و رشد پایدار در تجارت است [۱۲].

رحمان و نصر^۱ (۲۰۰۷) توصیه می کنند که سازمان هایی که موجودی نقد و مطالبات خود را مدیریت می کنند، توانایی بیشتری در بهره وری را از منابع خود می برند.

از آنجایی که سرمایه در گردش دارای معانی مختلفی است، شرکت ها از آن به روش های مختلف استفاده می کنند. بدین ترتیب، مهم ترین کاربرد سرمایه در گردش سرمایه گذاری مداوم در دارایی های کوتاه مدت است که یک شرکت نیاز به بکارگیری آن دارد [۱۴].

از نقطه نظر ارزشی، سرمایه در گردش را می توان به عنوان سرمایه در گردش ناخالص و خالص در نظر گرفت:

(الف) سرمایه در گردش ناخالص: به سرمایه گذاری یک شرکت در دارایی های جاری اشاره دارد. دارایی های جاری آن هایی هستند که در یک سال مالی قابل تبدیل به پول نقد باشند. دارایی های جاری عبارتند از بدهکاران تجاری، پیش پرداختها، مانده ی نقدی و غیره. خان و جین (۲۰۰۵) سرمایه در گردش ناخالص را به صورت میزان از بودجه ی سرمایه گذاری شده در دارایی های جاری تعریف می کنند که در مشاغل بکار گرفته می شوند و توجه آن به چگونگی بهینه سازی سرمایه گذاری در دارایی های جاری و چگونگی تأمین منابع مالی دارایی های جاری می باشد [۱۴].

(ب) سرمایه در گردش خالص: به تفاوت بین دارایی های جاری و بدهی های جاری اشاره دارد. بدهی های جاری مطالباتی است که انتظار می رود در عرض یک سال مالی پرداخت شود، در حالی که دارایی های جاری دارایی هایی است که در یک سال قابل تبدیل به پول نقد باشد. بدهی های جاری شامل صورت حساب پرداختی، اقلام تعهدی، بستانکاران تجاری، وام های کوتاه مدت و هزینه های پرداختی می شود. سرمایه در گردش مثبت بدان معنی است که شرکت قادر به پرداخت تعهدات کوتاه مدت خود است در حالی که

¹ Raheman & Nasr